

تحلیلی نوین از آیات کنز

سید محمدعلی موسوی / دانشجوی دکتری فلسفه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه

ali_f_311@yahoo.com

esavim@yahoo.com

محمود عیسوی / استادیار گروه اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

پذیرش: ۹۴/۷/۷

دریافت: ۹۳/۱۱/۱

چکیده

پدیده «کنز» از جمله انحرافات اقتصادی است که در آیات ۳۴ و ۳۵ سوره «توبه» از آن مذمت شده، ولی با وجود این، در ادبیات اقتصادی کمتر به آن توجه شده است. این نوشتار با استفاده از روش تحلیلی فقهی - اقتصادی، ضمن بررسی نقادانه نظریه‌های اندیشمندان اسلامی درباره مفهوم «کنز» در آیات یادشده، به این نتیجه رسیده که با آنکه مشهور مفسران و فقها مفهوم آیات ۳۴ و ۳۵ سوره «توبه» را به عدم پرداخت زکات محدود کرده‌اند، ولی دقت در سیاق این آیات نشان می‌دهد موضوع کنز مستقل از زکات است. بر اساس این دیدگاه، مفهوم قرآنی «کنز» به معنای پولی است که در چارچوبی که خداوند متعال معین نموده است، مصرف نشود. دایره این مفهوم مصادیقی را بیش از آنچه کنز عرفی شامل می‌شود، دربردارد.

کلیدواژه‌ها: کنز، زکات، تقاضا، سفته‌بازی، پول، ذخیره ارزش بودن پول.

مقدمه

یکی از انحرافات اقتصادی که در اسلام از آن مذمت شده، پدیده «کنز» است. آیات ۳۴ و ۳۵ سوره «توبه» با لحنی صریح بر این مفهوم دلالت دارد: ﴿... وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ﴾؛ و کسانی را که طلا و نقره را گنجینه می‌سازند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به کیفر دردناکی مژده ده! روزی که آنها را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده، با آن، صورت‌ها و پهلوها و پشت‌هایشان را داغ می‌کنند [و به آنها می‌گویند]: این همان چیزی است که برای خود اندوختید! پس بچشید آنچه را برای خود می‌اندوختید!

مطالعه آیات این سوره نشان می‌دهد قسمتی از آن پیش از جنگ تبوک و قسمتی هنگام آمادگی برای جنگ و بخش دیگری از آن پس از مراجعت از جنگ نازل شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۷۱). در زمانی که مسلمانان در دشواری اقتصادی قرار داشتند و خود را برای جنگ تبوک مهیا می‌کردند، در این شرایط، آیات کنز دسته‌ای را که سرگرم اندوختن طلا و نقره بودند سرزنش نمود و تهدید کرد که اگر این دارایی‌ها را در راه جهاد، که یکی از مصادیق بارز «فی سبیل‌الله» است، مصرف نکنند عذابی دردناک در انتظارشان خواهد بود (جوادی آملی، بی‌تا، جلسه چهارم).

هرچند رویکرد قرآنی در برابر پدیده «کنز» سخت‌گیرانه است و مفسران هم در تبیین مفهوم «کنز» اهتمام داشته‌اند، ولی نگاهی گذرا به این دیدگاه‌ها، نشان‌دهنده محدود بودن گستره برداشت‌هایشان از این مفهوم است. این در حالی است که بررسی ظاهر آیات و روایات واردشده، مفهومی را گسترده‌تر از آنچه این

دیدگاه‌ها بیان داشته‌اند، می‌رساند. اهمیت بررسی موضوع آنجا بیشتر می‌شود که در این پژوهش‌ها، کارکردهای اقتصادی متعددی که این آیات در مقام بیان آنهاست، نادیده انگاشته شده است.

بحث از مفهوم «کنز» و «سبیل‌الله» در فهم آیات، از نکات اصلی است که باید موشکافی شود. نکاتی از جمله مصادیق قدیم و جدید کنز، امکان تعمیم حکم به غیر طلا و نقره، استقلال و یا عدم استقلال بحث کنز از بحث زکات و نسبت میان آنها، از دیگر مباحثی است که باید بررسی شود. شاید بتوان اختلاف برداشت از این آیات را از زمان

صدر اسلام دانست؛ آنجا که بین ابوذر شخصیت بزرگ اسلام و خلیفه سوم عثمان، اختلاف‌نظرهای شدیدی، به‌ویژه در تعیین محدوده مفهوم «کنز» رخ داد. پس از آن نیز مفسران و فقهای شیعه و سنی هرکدام دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه ارائه داده‌اند. برای نمونه، می‌توان از برخی بزرگان شیعه همچون طوسی (بی‌تا، ج ۵، ص ۲۱۰)، طبرسی (۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۰) و علمایی از اهل سنت مانند ابن‌عربی (۱۴۰۸ق، ص ۹۲۸-۹۲۹)، فخررازی (۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۳۵-۳۸) و زمخشری (۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۶۶-۲۶۸) نام برد که همگی معتقد بودند: مفهوم «کنز» در آیات به «عدم پرداخت زکات» برمی‌گردد. در مقابل، از دید گروه دیگری از اندیشمندان، موضوع کنز در این آیات مستقل از زکات است. از این دسته می‌توان به بزرگانی همچون فیض‌کاشانی (۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۶۴)، علامه طباطبائی (۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۵۰-۲۶۶)، فضل‌الله (۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص ۹۴-۱۰۴) و قرشی (۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۵۰) اشاره کرد.

با این همه، در تمام این پژوهش‌ها، کمتر به کارکردهای اقتصادی این آیات توجه شده است و تنها دو تحقیق یافته

مفهوم «کنز» در اصطلاح اقتصاد

در فرهنگ لغت‌هایی که اصطلاحات اقتصادی را گردآوری کرده‌اند، عبارت‌های گوناگونی برای واژه «کنز» آمده است: جمع کردن بیش از اندازه دارایی و یا پول، و نگاه‌داری آن به حالت رکود «کنز» است. همچنین در اقتصاد کینز، زیاد شدن رجحان نقدینگی پول نزد مردم، مصداق دیگری از «کنز» است (فرهنگ، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۹۲۰). انباشت پول یا کالا بیش از نیاز فوری نیز از مصداق «کنز» است. همچنین «کنز» پول بنا بر دیدگاه پولی کلاسیک‌ها، پس‌اندازی است که به سرمایه‌گذاری تبدیل نگردیده است، و در نتیجه، کنز کردن به مثابه نشت درآمد ملی به شمار خواهد آمد؛ زیرا پول را از گردش خارج می‌کند (مریدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۶۰۷).

توتونچیان با استناد به کلمات کینز و دیگران، کوشش می‌کند ثابت نماید عبارات «تمایل به کنز پول»، «رجحان نقدینگی» و «تقاضای پول به انگیزه سفته‌بازی» تعابیر متفاوتی است که کینز و دیگران از مفهوم «ذخیره ارزش بودن پول» داشته‌اند (توتونچیان، ۱۳۷۹، ص ۱۳۸-۱۵۲). به عبارت دیگر، کینز با ایجاد ارتباط میان این تعابیر، مفهوم نوینی از واژه «کنز» ارائه کرده است که نسبت به برداشت‌های پیشین - مطلق نگاه‌داری پول - گستره تنگ‌تری را دربر می‌گیرد (همان، ص ۱۳۲). به نظر شومپتر، کینز نخستین کسی است که ذخیره ارزش بودن برای پول و در نتیجه، کنز آن را در الگوهای اقتصادی وارد نموده است (شومپتر، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴۱۵).

بنابراین، اقتصاددانان دو تعریف برای «کنز» ذکر کرده‌اند: در تعریف سنتی آن - همان‌گونه که در فرهنگ لغت‌های مزبور اشاره شد - به انباشتن پول و کالا و به عبارت دیگر، نشت درآمد ملی و بیرون رفتن آن از جریان کل اقتصاد «کنز» گفته می‌شود. اما بنا بر برداشت

شد که موضوع کنز را با نگاهی اقتصادی بررسی کرده‌اند. در مقاله‌ای میرمعزی (۱۳۸۲)، «کنز» را جمع کردن ثروت بیش از حد نیاز و بدون پرداخت حقوق الهی معرفی کرده و به بعضی از کارکردهای اقتصادی این موضوع، از جمله رابطه کنز و بورس‌بازی اشاره نموده است. حسینی (۱۳۸۸)، نیز در نوشتاری آیات کنز را بیانگر یک قاعده اساسی در جهت اصلاح انگیزه‌های حاکم بر رفتارهای اقتصادی افراد در زمینه کسب مال و ثروت و جریبان صحیح گردش پول و چگونگی تخصیص درآمد دانسته و سپس آثار این حکم بر تقاضای پول، سفته‌بازی در بازارهای مالی، رفتار پس‌انداز و سرمایه‌گذاری افراد و برخی پدیده‌های کلان اقتصادی را تحلیل کرده است.

این مقاله، به منظور تکمیل پژوهش‌های پیشین، تعریف قابل قبولی از مفهوم «کنز» ارائه داده و در ادامه، با تطبیق این مفهوم بر مصداق جدید آن، ویژگی اصلی گردش نقدینگی مقبول اسلام را بیان کرده است.

«کنز» عرفی از نظر واژه‌شناسی

لغت‌شناسان تعابیر گوناگونی برای «کنز» بیان داشته‌اند: «کنز» جمع کردن چیزی در محلی و حفظ و نگاه‌داری آن چیز در آنجاست (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۱۱۸). «کنز» قرار دادن قسمتی از مال بر روی قسمت دیگر و نگاه‌داری از آن است و اصل آن از جمع‌آوری خرما در ظرف است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۲۷). «کنز» اسم مالی است که در ظرفی نگاه‌داری می‌شود و همچنین به خود آن ظرف نیز «کنز» گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۳۲۱).

با بررسی گفتار واژه‌شناسان، روشن می‌شود که در مفهوم واژه «کنز»، جمع کردن، انباشتن و راکد گذاشتن ملحوظ است.

است: در این قول، کسی اختلافی ندارد (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۲۱۰). طبرسی (۱۳۷۳، ج ۵، ص ۴۰)، حسینی جرجانی (۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۸۴) و بسیاری دیگر از مفسران شیعه همگی قول اول را پذیرفته‌اند.

عمده دلیل قایلان این قول روایتی است که شیخ طوسی در الامالی خود نقل کرده است: امام رضا علیه السلام به نقل از پدرانشان فرمودند: زمانی که آیات کنز نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر مالی که زکاتش پرداخت شود کنز نیست، گرچه در زیر هفت زمین پنهان شود، و هر مالی که زکاتش پرداخت نشود گرچه بر روی زمین باشد، کنز است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۳۰).

روایت دیگری که در برخی از این تفاسیر بدان استناد شده حدیثی است از امام صادق علیه السلام که گناهان کبیره را برای عمرو بن عبید بیان نمودند. ایشان ابتدا عدم پرداخت زکات را جزو گناهان کبیره معرفی کردند و سپس گفته خود را به آیات کنز استناد دادند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۸۶).
نقد و بررسی قول اول: گرچه در طول تاریخ، مفسران زیادی به این قول متمایل شده‌اند، ولی این قول با اشکالات متعددی مواجه است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف. ظاهر آیات حرمت نفسی کنز کردن طلا و نقره را می‌رساند. به عبارت دیگر، حرمت کنز کردن به سبب عدم پرداخت زکات نیست؛ زیرا مفهوم عرفی آیات عیب‌جویی از کنز اصل نقدین به صورت مطلق است **«الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ»** و نه فقط حصه و بخشی از آن، که در نتیجه، منظور زکات باشد.

ب. همچنین ظاهر جمله **«وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»** لزوم انفاق همه مال کنز شده را می‌رساند. بنابراین، قول مشهور از چند جهت با ظاهر آیات مخالفت دارد:

اولاً، به اذعان بسیاری از مفسران، ذکر طلا و نقره به عنوان مالی که کنز می‌شود از باب ذکر وجه غالب بوده و

توتونچیان و شومپیتر از عبارات کینز، پدیده «کنز» معنای محدودتری از تعریف سنتی آن (مطلق نگه‌داری پول) دارد. در این برداشت، به پول نگه‌داری شده برای فعالیت‌های سفته‌بازی «کنز» اطلاق می‌شود.

اقوال مفسران در تبیین آیات کنز

قول اول

مشهور مفسران شیعه و اهل سنت بر این باورند که «کنز» مالی است که زکاتش پرداخت نشده باشد. با توجه به این قول، تهدید در آیات به عدم پرداخت زکات برمی‌گردد. بی‌گمان، با توجه به اینکه فقهای اهل سنت دایره بزرگتری از اموال را مشمول پرداخت زکات می‌دانند، در به وجود آمدن مصداق کنز بین شیعه و اهل سنت تفاوت‌هایی وجود دارد. در این تفسیر، مفهوم «کنز» مستقل از زکات نیست. بر اساس قول اول، مصارف «فی سبیل الله»، همان مصارفی است که برای زکات گفته شده است.

ابن عربی پس از نقل هفت قول، ادله این اقوال را ذکر می‌کند، سپس به تنقیح این اقوال پرداخته، در پی کشف قول حق (قول مشهور)، به سه دلیل استناد می‌نماید (ابن عربی، ۱۴۰۸ق، ص ۹۲۸-۹۲۹). فخررازی این قول را به بیشتر علما نسبت می‌دهد و پس از ذکر قول دوم، که مطلق اندوختن مال فراوان را مصداق کنز می‌داند و پرداخت زکات آن را از کنز بودن خارج نمی‌کند، به تحلیل ادله این دو قول پرداخته، خود نیز به همان قول اول متمایل می‌شود (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۳۸۳۵). زمخسری نیز با پذیرش همین قول، کوشش می‌کند روایاتی که قول مشهور را رد می‌کند، توجیه نماید (زمخسری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۶۸-۲۶۶).

در میان مفسران شیعه، شیخ طوسی، کنز کردن مال را پس از پرداخت زکاتش شایسته سرزنش نمی‌داند و معتقد

د. روایت امام صادق علیه السلام درباره بیان کبائر، گرچه از نظر سند تام و صحیح است، ولی در این حدیث، منع زکات را از مصادیق کنز شمرده‌اند و از آن انحصار کنز در عدم پرداخت زکات فهمیده نمی‌شود (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۵۳).

قول دوم

در برابر قول اول، شمار زیادی از مفسران شیعه و سنی باور دارند که موضوع کنز از زکات مستقل است و ادله‌ای که دیدگاه مشهور برای تفسیر کنز به عدم پرداخت زکات ارائه نموده کافی نیست و باید به ظهور آیات تمسک جست، ولی در برداشت از ظاهر آیات، اختلاف نظرهایی با هم دارند: **دیدگاه اول:** گروهی از مفسران «کنز» را مالی می‌دانند که حقوق مالی واجب آن پرداخت نشده باشد و این حقوق شامل اموری همچون زکات، هزینه حج واجب، و کمک به فقرا مضطر می‌شود. در نتیجه، طبق این قول، انفاق همه مال واجب نیست. جصاص (۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۳۰۱)، فیض کاشانی (۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۶۳)، ابن عاشور (بی تا، ج ۱۰، ص ۷۶)، مراغی (بی تا، ج ۱۰، ص ۱۱۰)، هاشمی شاهرودی (۱۴۲۳ق، ج ۸، ص ۴۸) و گروه دیگری از علما این تفسیر را پذیرفته‌اند.

دیدگاه دوم: عده‌ای حکم کنز در آیات شریفه را حکمی استثنایی و مربوط به شرایط خاص می‌دانند و معتقدند: اگر در اثر سهل انگاری ثروتمندان در پرداخت حقوق مالی خویش یا پیش آمدن شرایط حساس و فوق العاده همانند خشک سالی و جهاد، حالت ویژه‌ای پیش آید، بر ثروتمندان واجب است پول را راکد نگذارند و تمام آن را به دست خویش انفاق کنند و اگر حاکم جامعه اسلامی خواست به او تسلیم کنند. در این تفسیر، صرف به گردش درآمدن پول کافی نیست و باید در کارهای واجب مصرف گردد (گرامی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۱۶). حسینی همدانی

دایره اموال کنز شده بسیار گسترده‌تر است و حتی در عبارات بسیاری از مفسران پول‌های کاغذی و اوراق بهادار نیز به عنوان اموالی که قابلیت کنز شدن را دارند ذکر شده است. برای نمونه، مرحوم طبرسی، که خود از قایلان دیدگاه مشهور است، طلا و نقره در آیات را به معنای مطلق اموال تفسیر می‌کند. ایشان می‌فرماید: «أنه لما ذکر الذهب و الفضة دلّ علی الأموال فکأنه قال ولاینفقون الأموال» (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۳۹).

در صورتی که اگر منظور زکات باشد دایره این اموال به شدت تنگ می‌شود؛ زیرا به اعتقاد فقهای شیعه، تنها به نُه چیز زکات تعلق می‌گیرد و در مابقی اموال پرداخت زکات واجب نیست؛ و البته وجوب پرداخت زکات برای همین اموال نیز شرایط خاصی دارد که در کتب فقهی آمده است و -مثلاً- اگر همین طلا و نقره به صورت سکه رایج نباشند، هر قدر هم که زیاد باشند، زکاتی به آنها تعلق نخواهد گرفت.

ثانیاً، اگر منظور آیات، پرداخت زکات می‌بود، بهتر بود به جای عبارت «وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، عبارت «وَلَا يَنْفِقُونَ مِنْهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» آورده می‌شد.

ج. روایتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این تفسیر بدان استناد شده و به وسیله آن، اطلاق ظاهر آیات مقید گردیده، سند درستی ندارد. در سند آن، ابو مفضل آمده که همان محمد بن عبدالله أبوالمفضل الشیبانی است که نه تنها هیچ توثیقی درباره او وارد نشده است، بلکه در کتب رجالی، عبارات متعددی درباره ضعف او یافت می‌شود. نجاشی درباره او می‌فرماید: «کان فی اول أمره ثبنا ثم خلط و رأیت جلّ اصحابنا یغمزونه و یضعفونه» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۹۶). از سوی دیگر، فقها کمتر به این روایت استناد نموده‌اند و در نتیجه، ضعف آن با استناد مشهور فقها بر طرف نمی‌شود.

(۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۵۲۵-۵۲۶) و مکارم شیرازی (۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۹۶) نیز دیدگاهی مشابه دارند.

دیدگاه سوم: علامه طباطبائی، ظاهر آیات شریفه را ناظر به گنجی می‌داند که صاحبش را از انفاق حقوق مالی واجب بازدارد، و در این مسئله، میان دارایی‌هایی که در بازارها در دست مردم جریان و گردش دارد و اموالی که در زمین دفن شده است، فرقی وجود ندارد و جلوگیری از انفاق هر دو حرام است. البته حبس کردن اموال یک گناه زایدی است که در واقع خیانت به زمامدار مسلمانان محسوب می‌شود و برای دوری از این گناه، شخص باید ثروت خود را در جریان اقتصادی قرار دهد و به این وسیله، دارایی او در مرأی و دید همگان قرار می‌گیرد و در نتیجه، حاکم جامعه هر وقت مصلحت دید، می‌تواند او را امر کند تا مقداری از اموالش را انفاق کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۵۰-۲۶۶).

ایشان منظور از «انفاق فی سبیل الله» را انفاقی می‌داند که قوام دین بر آن است، به گونه‌ای که اگر در آن زمینه انفاق نشود بر اصل دین زیان وارد می‌گردد؛ مانند انفاق در جهاد و جمیع مصالح دینی که حفظش واجب است و همچنین شئون اجتماعی مسلمانان که با زمین ماندنش شیرازه اجتماع از هم گسیخته می‌گردد و نیز حقوق مالی واجبی که دین آن را برای استوار کردن بنیاد اجتماع تشریح کرده است (همان).

دیدگاه چهارم: صاحب قاموس قرآن، آیات کنز را مبارزه اسلام در برابر رکود و تجمع سرمایه می‌داند و معتقد است: سرمایه باید در راه‌های مشروع به جریان افتد تا همه جامعه اسلامی از آن بهره‌مند گردد. ایشان «سبیل الله» را شامل هر کاری می‌داند که نفع همگان در آن باشد؛ همانند جهاد، گسترش دین، امر به معروف، و ساختن پل‌ها. به نظر ایشان، مأمور اجرای این دستور در گام نخست، خود مردم هستند، و در صورت سرپیچی، حاکم شرع می‌تواند رأساً به

آن اقدام کند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۵۰).
دیدگاه پنجم: میرمعزی معتقد است: مراد از «کنز محرّم»، جمع ثروت بیش از حد نیاز و بدون پرداخت حقوق الهی آن است و این حکم در حقیقت، به منظور رفع فقر و تحقق عدالت تشریح شده است. ایشان را کد نگه‌داشتن و به گردش درنیابردن مال را در تحقق کنز دخیل نمی‌داند و بر این باور است که چه بسا مالی با گردش خود برای شخص ثروت‌آفرین باشد و در عین حال، به این اموال او، کنز هم صدق کند. سپس مقصود از «انفاق فی سبیل الله» را صرف مال در راهی می‌داند که مایه پایداری دین و جلوگیری از نابودی آن شود (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص ۲۳-۴۰).

دیدگاه ششم: فضل الله مفاد آیات کنز را تأسیس یک قاعده عمومی درباره چگونگی تخصیص درآمد می‌داند. از دید ایشان، «کنز پول» به معنای «خرج نکردن نقدینگی در راه خداست» و تفسیر «کنز» به «حبس مال و در صندوق گذاشتن آن» کامل نیست؛ زیرا گاهی حبس مال با هدف منظور این گروه، که همان رشد دارایی‌های آنهاست، ناسازگاری دارد، بلکه آیات با لغزش از هدفی که خداوند متعال برای مال در نظر گرفته است، مبارزه می‌کند. این هدف در آیات با عبارت «سبیل الله» مشخص شده و در یک افق گسترده، دربرگیرنده همه مواردی است که خداوند متعال خواسته دارایی‌ها در آنجا انفاق گردد و در این راه، باید طبق قواعدی که خداوند متعال بر رعایت آنها تأکید دارد عمل شود، و نباید در تعیین دایره «سبیل الله» به مالیات‌های واجب و یا کارهایی که سود همگانی در پی دارند بسنده شود (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص ۹۴-۱۰۴).
حسینی نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل کنز از دیدگاه فقه و اقتصاد»، کوشیده است دیدگاه مزبور را تکمیل کند و کارکردهای گوناگون آن را بیان دارد (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۸۳-۱۱۲).

تبیین کنز قرآنی از دیدگاه مختار

به نظر می‌رسد از میان دیدگاه‌های مطرح شده، دیدگاه فضل‌الله با ظاهر آیات تناسب بیشتری دارد و بهتر می‌تواند در جهت تبیین آیات کنز راهگشا باشد. اگر در سیاق آیات دقت کنیم، درخواهیم یافت که آیات در مقام مبارزه با انحراف نقدینگی جامعه از هدفی است که با عبارت «سبیل الله» مشخص شده است.

توضیح آنکه در واژه‌شناسی گفته شد که در مفهوم واژه «کنز»، «جمع کردن، انباشتن و راکد گذاشتن» لحاظ شده است و در نتیجه، معنای «کنز» در این آیات، از نظر لغوی، جمع کردن و راکد گذاشتن نقدینگی از گردش اقتصادی است. اما دقت در سیاق آیات کنز حاکی از آن است که خداوند متعال دایره مفهوم «کنز» را به «سبیل الله» محدود نموده و صرف گردش اقتصادی را برای عدم کنز بودن کافی نمی‌داند. به عبارت روشن‌تر، کنز پولی است که در چارچوبی که خداوند متعال معین نموده است، مصرف نشود. هرچند از نظر لغوی، معنای «کنز» جمع کردن و خروج نقدینگی از گردش اقتصادی است، ولی در تعبیر قرآنی، به خروج پول از گردش در مسیری که رضایت خداوند متعال را در پی داشته باشد، «کنز» می‌گویند و چه بسا پولی که در گردش باشد، بتوان آن را مصداق کنز نامید. عاقلانه نیست که شخص پول خود را به صورت کلی از جریان اقتصادی خارج کند و آن را در گوشه‌ای ذخیره سازد و هیچ‌گاه از آن استفاده نکند؛ زیرا هدف کنزکنندگان زیاد کردن ثروتشان است و این هدف جز با گردش اقتصادی محقق نمی‌شود.

در این آیات، بلافاصله پس از تعبیر از «کنز» در فراز «الَّذِينَ يَكْنِزُونَ» عبارت «وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» آمده که به روشنی قرینه‌ای است برای اینکه کنز عدم مصرف در راه خدا را شامل می‌شود و نه صرف خروج

نقدینگی را از جریان اقتصادی. البته اگر فردی به هر علت نقدینگی را ذخیره کند و آن را در جریان قرار نداد باز هم آیات شامل او می‌شود.

طبق ظاهر این آیات، هدف شخص در گردش نقدینگی‌اش باید کسب رضایت خداوند سبحان باشد که این هدف با عبارت «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» بر آن تأکید شده است، و در مقابل، هدف کنزکنندگان با توجه به فراز «هَذَا مَا كَنْزُكُمْ لَأَنْفُسِكُمْ» تنها نفع شخصی است، هرچند این نفع شخصی مخالف رضایت خداوند متعال باشد.

به عبارت ساده، ظاهر آیات در پی بیان قانونی کلی برای جریان نقدینگی در جامعه اسلامی است و این قانون فراگیر با تشریح مالیات‌های واجبی همچون زکات و خمس تفاوت دارد. توضیح آنکه در اسلام، هرچند مالکیت خصوصی به رسمیت شناخته شده و حتی آن را از لحاظ کمیّت محدود نکرده، ولی از دیدگاه اسلام، مالکیت حقیقی آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست از آن خداست (مانده: ۱۲۰)؛ و تنها در صورتی مالکیت فردی انسان امضا شده که او این دارایی‌ها را در جهتی مصرف کند که مرضی خداوند متعال باشد. این مطلب در آیه ۳۴ سوره «توبه» با عبارت «انفاق فی سبیل الله» مطرح شده است.

نکات مستفاد از ظاهر آیات کنز

الف. حرمت کنز کردن پول رایج در جامعه اسلامی

هرچند ظاهر آیات، کنز طلا و نقره را بدون توجه به اینکه پول رایج باشند یا پول رایج نباشند حرام نموده، ولی با توجه به این مطلب، که در طول تاریخ و حتی زمان نزول، تمام کسانی که درباره آیات بحث کرده‌اند طلا و نقره در آیات را درهم و دینار دانسته‌اند، می‌توان فهمید که طلا و نقره در آیات، به درهم و دیناری که پول رایج باشد انصراف دارد.

این برداشت از آیات کنز، تهدید و عذاب شدیدی است که در ادامه آیات آمده؛ زیرا ترک امور مستحب از نظر عقل و شرع، هیچ‌گونه مذمتی ندارد. بدین‌روی، این نکته قرینه‌ای شده است تا مصداق «سبیل الله» را امور واجب در نظر بگیرند.

به نظر می‌رسد با چند دلیل، مصداق «سبیل الله» در این آیات فقط شامل امور واجبی نیست که نفع همگانی داشته باشد، و کارهای واجب فردی و مستحب را نیز - طبق تفصیلی که در ادامه می‌آید - دربر می‌گیرد:

۱. طبق ظاهر آیات، انفاق همه طلا و نقره در راه خدا واجب است؛ زیرا ضمیر «ها» در «ولاینفقونها» به همه طلا و نقره کنز شده برمی‌گردد و نه به بخشی از آنها؛ زیرا در این صورت، باید عبارت «ولاینفقون منها» به کار برده می‌شد. این در حالی است که در طول تاریخ، هیچ فقیهی فتوا نداده است که شخص باید همه نقدینگی خود را برای امور واجبی که نفع همگانی دارد، انفاق کند. به خاطر همین اشکال است که برخی از دیدگاه‌های فوق آیات کنز را ناظر به شرایط خاص اقتصادی و همچون بروز جنگ و خشک‌سالی می‌دانند که در آن شرایط ویژه، حاکم اسلامی باید بتواند با حکم حکومتی و یا ثانوی، تمام نقدینگی جامعه را برای حل آن مشکل به کار گیرد. طبق برداشت این گروه، کنز پول تنها در شرایط سخت اقتصادی و با به جریان نینداختن نقدینگی برای حل آن شرایط سخت تحقق پیدا می‌کند.

به نظر می‌رسد برای پایبندی به ظاهر آیات، که انفاق همه طلا و نقره را در راه خدا واجب می‌داند، نیاز نیست آیات را ناظر به شرایط سخت اقتصادی بدانیم؛ زیرا طبق برداشت ما، آیات کنز شرایط عادی اقتصادی را نیز شامل می‌شود و به عبارت ساده، این آیات در پی بیان قانونی کلی است که طبق آن، نقدینگی جامعه باید در شرایط

برای تأیید این مطلب، می‌توان به قول مشهور استناد کرد. مشهور مفسران شیعه این آیات را درباره زکات می‌دانستند و می‌دانیم که طبق دیدگاه شیعه، زکات بر طلا و نقره‌ای واجب است که به صورت پول رایج باشد. بنابراین، مشهور مفسران مقصود از کنز طلا و نقره در آیات را کنز پول رایج درهم و دینار دانسته‌اند. به عبارت دیگر، از دید کسانی که به زمان نزول آیات نزدیک بوده‌اند، کنز طلا و نقره به کنز درهم و دیناری انصراف دارد که پول رایج بوده است. بنابراین، خود طلا و نقره موضوعیتی نداشته و آنچه موضوع آیات است پول رایج بوده است.

از این نکته، می‌توان فهمید که ظاهر آیات در پی حرمت کنز پول رایجی است که در زمان نزول آیات مصداق آن درهم و دینار بوده و در زمان کنونی پول‌های اعتباری مصداق آن است. اینکه بتوان کنز اموال دیگر را نیز مصداق آیات دانست با توجه به ظاهر آیات دشوار به نظر می‌رسد و باید برای حرمت کنز اموال دیگر، به قراین دیگری جدای از ظاهر آیات مراجعه کرد.

ب. مصداق سبیل‌الله در آیات کنز

طبق برداشت از این آیات، جریان نقدینگی باید در مسیری به گردش درآید که مصداق «سبیل‌الله» باشد و جریان نیافتن در این جهت مصداق «کنز محرم» خواهد بود. تقریباً همه دیدگاه‌های مزبور مصداق «سبیل‌الله» را اموری می‌دانند که انجامش واجب است. البته گروهی این‌گونه کارهای واجب را اموری می‌دانند که نفع همگانی داشته باشد؛ مانند ساخت پل، بیمارستان، و مسجد. دسته‌ای دیگر معتقدند: این کارها باید موجب قوام دین و جلوگیری از نابودی آن شود؛ مانند کمک به جهاد. برخی هم دایره آن را کل حقوق مالی واجب در نظر گرفته‌اند؛ مانند نفقه زن و فرزند، خمس، زکات، و هزینه حج. دلیل

«سبیل الله» شیعیان ما هستند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۱۶). با توجه به این روایت، اگر او آن مال را در راه کمک به یکی از فقرا شیعه صرف می‌کند طبق وصیت عمل کرده و روشن است که کمک به یک فقیر، نفع عمومی نخواهد بود.

روایت دوم: پیغمبر خدا ﷺ در غزوه تبوک در کنار جوان تنومندی که چند شتر فربه را با خود می‌برد، درنگ کردند. یاران عرض کردند: ای پیغمبر خدا، اگر نیرو و توان این جوان به همراه این شتران فربه‌ش در راه خدا به کار برده می‌شد، خیلی بهتر بود. رسول خدا ﷺ آن جوان را خواستند و از او پرسیدند: به من بگو با این شتران کدام گره از مشکلاتت را باز می‌کنی؟ جوان عرض کرد: ای فرستاده خدا، من همسر و خانواده‌ای دارم و با این شتران برای آنها کسب روزی می‌کنم تا از مردم بی‌نیازشان سازم. همچنین قدری قرض بر گردن من است که به این وسیله، کوشش می‌کنم دینم را پرداخت کنم... پس از آنکه جوان از آنجا دور شد، رسول خدا ﷺ فرمودند: اگر این جوان راست بگوید پاداش او همانند پاداش رزمنده، حج‌کننده و عمره‌گذار است (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۸).
روایت سوم: در روایت دیگری که امام رضا علیه السلام از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کنند، مردی دو دینار برای کمک به جهاد - که یکی از مصادیق «سبیل الله» است - خدمت پیامبر اکرم ﷺ تقدیم کرد، اما ایشان مصادیق دیگری از «سبیل الله» - کمک به والدین و فرزند و همسر و خدمت‌کار - را برای این شخص در اولویت قرار دادند (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۷۱).

با این مضمون روایات فراوان دیگری نیز وجود دارد که در آنها، برای انفاق «فی سبیل الله» مصادیق متعددی ذکر شده است که این مصادیق هم شامل کارهایی می‌شود که نفع همگانی برای جامعه دارند، مانند انفاق در راه جهاد

گونگون اقتصادی، در جهتی باشد که رضایت خداوند متعال را در پی دارد. برای نمونه، اگر کسی نقدینگی خود را در شرایط عادی اقتصاد به ایجاد واحدی تولیدی اختصاص دهد با این انگیزه که هم خود به سودی دست یابد و بتواند هزینه‌های زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین کند و هم برای چند نفر ایجاد شغل نماید، بی‌شک فعالیت او مصداق «سبیل الله» خواهد بود، و حال آنکه عمل او مستحب است و انجام ندادنش عذابی برای او در پی ندارد. ولی اگر همین فرد این نقدینگی را به خرید و فروش مواد مخدر اختصاص دهد، عمل او مصداق «کنز» است. از همین مثال، می‌توان فهمید که عذاب و عده داده شده در این آیات، به لحاظ کنز نقدینگی (به جریان نینداختن نقدینگی در مسیر الهی) جامعه است و به این معنا نیست که مسلمان باید همه نقدینگی‌اش را در امور واجب مصرف کند. چه بسا کاری حتی مستحب باشد، ولی چون خداوند سبحان به انجامش رضایت دارد مصداق «سبیل الله» تلقی شود.

خلاصه اینکه عذاب دردناکی که در این آیات به آن اشاره شده به این سبب است که کنزکنندگان با ترجیح منافع شخصی بر مسیر مرضی خداوند متعال، نقدینگی جامعه را مطابق میل و هوس خودشان به گردش درمی‌آورند و به همین دلیل، این آیات عذاب دردناک را نتیجه عمل خود آنان معرفی کرده و می‌فرماید: «هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ».

۲. در روایات متعددی دایره «سبیل الله» بسیار گسترده در نظر گرفته شده است تا جایی که بر انجام امور واجب و مستحبی که نفع عمومی نیز در پی ندارند، اطلاق گردیده است: روایت اول: حسن بن راشد از امام حسن عسکری علیه السلام درباره مردی پرسید که وصیت کرده بود مقداری از مالش در راه خدا به کار برده شود. حضرت در پاسخ فرمودند:

نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ زیرا طبق دیدگاه مختار، اگر خداوند متعال به هزینه کردن پول در مصارف زکات رضایت داشته باشد ولی شخص آن پول را در کار دیگری به کار گیرد، عمل او مصداق کنز خواهد بود. همچنین مشهور مفسران معتقد نیستند این آیات برای شرایط خاص اقتصادی نازل شده است.

د. حکمت برداشته شدن حکم کنز در زمان غیبت

برخی از تفاسیر مزبور کنز را از این نظر مذموم دانسته‌اند که در شرایط خاص، حاکم اسلامی نمی‌تواند از منابع جامعه در رفع مشکلات به وجود آمده استفاده کند. در یکی از این تفاسیر، علت نهی از کنز خیانت به زمامدار مسلمانان معرفی شده است. با وجود این، وقتی به ظاهر آیات رجوع شود نشانی از این مطلب مشاهده نمی‌گردد. به نظر می‌رسد این نکته با توجه به روایتی است که در ذیل آیات شریفه آورده شده است:

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: اکنون شیعیان ما آزادند که از اموال خود به اندازه معمول انفاق کنند. ولی هنگامی که قائم مائمه قیام کند بر هر گنج‌داری گنجش حرام می‌شود؛ باید نزد آن حضرت بیاورد تا بدان وسیله، در برابر دشمن فعالیت کند، و این است معنای گفته خداوند: ﴿الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ﴾ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۶۱).

سند این حدیث خوب است. تنها کسی که در سند این روایت محل تأمل است معاذ بن کثیر است که علمای رجال او را به صراحت توثیق نکرده‌اند، لیکن شیخ مفید می‌فرماید: معاذ از بزرگان یاران امام صادق علیه السلام و موثقان آنهاست. ابوعلی نیز در رجال خویش، می‌نویسد: احادیثی در دست است که بر خوبی معاذ دلالت دارد (گرامی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۲۰).

و هم کارهایی که نفع شخصی در پی دارند، مانند انفاق برای خانواده (محدث نوری، ۱۰۴۸ق، ج ۷، ص ۲۴۱). روایت چهارم: بسیاری از روایات پولی را که شخص برای خود و خانواده‌اش مصرف یم کند در حکم صدقه می‌داند (همان، ج ۱۳، ص ۵۴). همچنین کسی که تلاش می‌کند از راه حلال برای خانواده‌اش کسب درآمد کند به رزمنده‌ای تشبیه شده است که در راه خدا مجاهدت می‌کند. حتی برخی از این روایات او را از «مجاهد فی سبیل الله» برتر می‌داند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۸۸).

بنابراین، «فی سبیل الله» معنایی گسترده دارد و شامل هر کاری می‌شود که خشنودی خداوند متعال را دربر دارد. البته برخی از کارها همانند جهاد به سبب اهمیت فراوانی که نزد خداوند متعال دارند بیشتر بر آنها تأکید شده و خداوند راضی نیست این‌گونه کارها بر زمین بماند. ولی این مطلب به معنای آن نیست که کارهای مستحبی دیگر در اولویت‌های بعدی نباشند. از این رو، با توجه به اینکه ظاهر آیات لزوم انفاق همه دارایی‌های کنز شده را می‌رساند و از سوی دیگر، بجز زکات و خمس، در شرایط عادی واجب نیست؛ همچنین در اسلام محدودیتی از لحاظ کمی برای مالکیت وجود ندارد، بنابراین، انفاق در آیات کنز باید شامل انفاقات مستحبی هم بشود که از مصداق «فی سبیل الله» شمرده می‌شوند و نفع شخصی نیز در پی دارند.

ج. نسبت قول مشهور و دیدگاه مختار

برای تأیید نظریه مختار، می‌توان به دیدگاه مشهور مفسران نیز استناد کرد. ایشان معتقد بودند: هر پولی که زکاتش پرداخت نشود کنز است. طبق برداشت مختار، هر پولی که مصرف شود در راهی که خداوند متعال بدان رضایت ندارد کنز است. بنابراین، بین نظر مختار و نظر مشهور

تمام ابعاد جامعه باید رنگ و بوی اسلامی داشته باشد، نقدینگی این جامعه نیز باید در مسیر الهی مصرف شود.

ه. مصادیق گوناگون کنز

همان‌گونه که توضیح داده شد، از دیدگاه قرآنی، خروج پول از مسیر مرضی خداوند متعال کنز خواهد بود. با توجه به این مفهوم، می‌توان نمونه‌های ذیل را از مصادیق کنز برشمرد:

۱. ذخیره کردن پول نقد و خارج نمودن همیشگی آن از گردش اقتصادی؛ این فرض اگرچه نادر است، ولی در طول تاریخ، همواره کسانی بوده‌اند که از جمع‌آوری پول لذت می‌برده‌اند و پول را برای خود پول دوست داشته‌اند. مشاهده شده که بعضی از متکدیان پولی را که گدایی کرده‌اند بدون استفاده ذخیره ساخته‌اند. به نظر می‌رسد این مصداق از کنز با اصطلاح سنتی اقتصاددانان از کنز، که همان نشت درآمد ملی و بیرون رفتن آن از جریان کل اقتصاد است، همخوانی داشته باشد.

البته طبق اصطلاح جدید اقتصاددانان از «کنز»، افراد پول را برای همیشه از جریان اقتصادی کنار نمی‌گذارند، بلکه به خاطر خصوصیت «رجحان نقدینگی» پول را نگه‌داری می‌کنند تا در موقعیت مناسب، بتوانند از این پول‌ها برای انجام دادوستدهای سودآور استفاده کنند. این اصطلاح جدید، که از آن با نام «تقاضای سفته‌بازی پول» نیز یاد می‌شود، با مصداق سنتی آن، این تفاوت را دارد که پول‌های نگه‌داری شده بنا بر اصطلاح سنتی «کنز»، در جریان کل اقتصاد وارد نمی‌شد، ولی در اصطلاح جدید آن، این پول‌ها نگه‌داری می‌شود تا بتوان در موقعیت‌های سودآوری که در بخش غیرواقعی اقتصاد وجود دارد، به کار گرفته شود.

اکنون می‌خواهیم بدانیم که اصطلاح جدید

هرچند روایت زمان ظهور حضرت ولی‌عصر - ارواحنا فداه - را ذکر کرده، ولی این از باب ذکر مصداق کامل است، و چون در روایت علت این حکم را به صورت «فیسستین به علی عدوه» بیان می‌کند، دیگر زمان‌ها را نیز دربر می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۹۶). بنابراین، تفاسیر یادشده با نگاه به این روایت و همچنین اعتقاد به عدم وجوب پرداخت مالی بجز زکات و خمس و برخی از حقوق مالی دیگر همچون نفقه خانواده در شرایط عادی، برای پابندی به ظاهر آیات، که لزوم انفاق همه اموال را در راه خدا نشان می‌دهد، این آیات را مربوط به شرایط ویژه‌ای همچون جهاد دانسته‌اند، که اگر حاکم جامعه اسلامی مصلحت دید بتواند از همه منابع جامعه برای رفع مشکل پدیدآمده استفاده کند.

همچنین طبق ظاهر روایت معاذبن کثیر، چنین برداشت می‌شود که در زمان غیبت، به شیعیان اجازه داده شده است اموال خود را کنز کنند، ولی پس از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام شیعیان باید اموال کنز شده خود را برای یاری حکومت ایشان علیه دشمنانشان به کار ببرند. در تحلیل بالا، گفته شد که چون در روایت، علت این حکم به صورت «فیسستین به علی عدوه» آمده است، پس هر زمان که حکومت اسلامی تشکیل شود باز هم حکم مزبور جاری خواهد بود. تا اینجای تحلیل بالا، مطابق برداشت ما از روایت است، ولی با توجه به قول مختار در تفسیر آیات کنز، شاید منظور روایت این باشد که تا زمانی که حکومت اسلامی تشکیل نشود مفاد کلی آیات کنز امکان عملیاتی شدن ندارد و مسلمان نمی‌تواند تمام نقدینگی خود را در مسیر مرضی خدا مصرف کند و شاید به همین علت در زمان غیبت این حکم برداشته شده و اجرای آن به زمان تشکیل حکومت مهدوی موکول شده است. ولی هر وقت حکومتی اسلامی برپا شد همچنان‌که

برسانید که خدا معین کرده، و آن را برای کنز کردن به شما نداده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۳۲).

ظاهر این روایت به روشنی بر همان قاعده کلی دلالت دارد که آیات کنز به آن اشاره می‌کند. امام صادق علیه السلام هدف از بخشش اموال زیادی به مردم را قرار دادن آن در جهت‌هایی می‌دانند که خداوند متعال معین نموده و کنز کردن اموال انحراف از آن مسیر معین شده است.

روایت دوم: زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که ایشان می‌فرمودند: آدمی چیزی سخت‌تر از مال صامت (پول) از خود به جا نمی‌گذارد. گفتم: با آن چه کند؟ فرمودند: آن را در حائط - یعنی بستان یا خانه - هزینه نمایند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۹۱).

در اینجا نیز امام علیه السلام به زراره توصیه می‌کنند شیوه زندگی مسلمان باید به گونه‌ای باشد که پول نقد نگه‌داری نکنند و آن را در باغ یا خانه سرمایه‌گذاری کند. تعبیر به «آدمی چیزی به جا نمی‌گذارد که برای او شدیدتر از مال صامت (پول) باشد» شاید اشاره به سختی عقوبتی دارد که در آیات کنز از آن یاد شده است.

موضع‌گیری‌های ابوذر غفاری: ابوذر غفاری از یاران نزدیک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. راست‌گویی در گفتار او به اندازه‌ای برجسته بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره ایشان فرمودند: آسمان بر کسی سایه نینداخته و زمین حمل نکرده کسی را که گفتارش راست‌تر از ابوذر باشد (کشی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۹۸). استناد به آیات کنز در برابر مخالفان توسط ابوذر، بررسی موضع‌گیری‌های او را برای پی بردن به مفهوم آیات ضروری می‌کند.

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود آورده است که ابوذر غفاری هر روز صبح، در شهر شام با صدای بلند دیگران را ندا می‌داد: مژده باد گنج‌اندوزان را به داغی بر پشانی و داغی در پهلوها و داغی در پشت‌هایشان برای

اقتصاددانان از «کنز» با اصطلاح قرآنی «کنز» تطابق دارد یا خیر. با توجه به اینکه افراد پول مورد تقاضای خود را برای انجام معاملات سودآور در بانک نگه‌داری می‌کنند، اگر بانک طبق موازین شرعی آن پول‌ها را به جریان اقتصادی برگرداند، طبق اصطلاح قرآنی، کنزی صورت نگرفته است.

۲. به گردش درآوردن پول در راه‌های حرامی که در آیات و روایات از آن نهی شده است. معاملات ربوی، مکاسب حرامی همچون خرید و فروش مشروبات الکلی، فروش سلاح به دشمنان، و خرید و فروش آلات قمار همگی از مصادیق روشن کنز هستند.

۳. به جریان انداختن پول در کار مباح و یا مستحب در صورتی که طبق حکم اولی و یا ثانوی، شارع لازم دانسته است آن پول در جایی دیگر مصرف شود. برای نمونه، اگر کسی پولی را که باید به عنوان زکات به فقرا بدهد صرف توسعه خانواده خود کند، و یا اینکه جامعه اسلامی در شرایط ویژه‌ای همچون جنگ قرار دارد و شخص هرچند واجبات اولیه مالی خود همچون خمس و زکات را پرداخته، ولی حاکم اسلامی برای امور جنگ نیازمند نقدینگی است. در این صورت، اگر او پول خود را صرف امور مستحبی همچون صدقه به فقیر کند، باز هم عمل او مصداق «کنز» است.

روایات تأییدکننده دیدگاه مختار

دلیل اصلی برای دیدگاهی که ذکر شد ظاهر آیات ۳۴ و ۳۵ سوره مبارکه «توبه» است. ولی می‌توان فراین دیگری را نیز از میان روایات پیدا کرد که استناد به آنها تأییدی بر نظریه یادشده است.

روایت اول: امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: خداوند این زیادتی مال را به شما عطا کرده است تا آن را به جایی

همه را در راه خدا انفاق کنم و از آن حتی سه دینار باقی بماند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۴۴).

اینها نمونه‌هایی بود از نقل‌های تاریخی که در آن، ابوذر غفاری در برابر زراندوزان موضع‌گیری کرده است. از همین چهار نقل تاریخی، می‌توان به نکته‌های ذیل پی برد: الف. در شام، پدیده «کنز پول» آن قدر رواج یافته بود که ابوذر برای اصلاح جامعه، هر روز همگی را خطاب می‌کرد و آنها را از این انحراف به وجود آمده برحذر می‌داشت.

ب. او در برابر این ادعا، که پرداخت زکات تنها وظیفه مؤمن است، سخت موضع‌گیری می‌کرد و خلیفه را به عنوان حاکم مأمور ایجاد زمینه‌هایی می‌دانست که مردم را به انجام کارهای خیری از جمله احسان به برادران دینی و صلوة رحم دعوت کند.

ج. از موضع‌گیری‌های گوناگون ابوذر در برابر زراندوزان چنین برداشت می‌شود که در شرایطی که توزیع درآمد در جامعه پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به صورتی است که فاصله‌های شدید طبقاتی در بین مردم ایجاد شده، شایسته نیست عده‌ای تنها با پرداخت زکات، به جمع‌آوری ثروت‌های فراوان پردازند، درحالی‌که عده زیادی در جامعه با فقر شدیدی مواجه هستند، بلکه وظیفه دارند با به جریان انداختن دارایی‌های معطل مانده خود و انجام کارهایی همچون احسان به برادران دینی و صلوة رحم، در رفع این مشکلات اقتصادی کوشش کنند و در غیر این صورت، عمل آنها مصداق «کنز» خواهد بود، و همان‌گونه که از نقل سوم و چهارم برداشت می‌شود، همه پول‌ها باید در راه خدا مصرف شود تا جایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نگاه‌داری حتی سه دینار هم اکراه داشتند.

د. در نقل سوم، عبارت «ما أحب أن یکون لی مثل أحد ذهباً انفقہ کله إلا ثلاثة دنانیر» آمده است. در این عبارت، «ثلاثة دنانیر» از «مثل أحد ذهباً» استثنا شده است

همیشه، به قدری که گرما تا درون وجودشان نفوذ کند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۸۹).

همچنین در نقل دیگری، ابوذر در برابر این ادعا که پس از پرداخت زکات، وظیفه دیگری بر انسان نیست سخت موضع‌گیری می‌کرد و عثمان را این‌گونه خطاب می‌کرد: از مؤدی زکات به دادن زکاتش بسنده نکنید، بلکه باید زکات‌دهندگان افزون بر زکات به همسایگان و برادران نیز احسان کنند و صلوة رحم هم به جای آورند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۴۳).

نقل شده است اموالی را که از عبدالرحمان بن عوف زهری بازمانده بود نزد عثمان آوردند. چون کیسه‌های پول روی هم چیده شد، به صورت حایل درآمد میان عثمان و مردی که بر پا ایستاده بود. عثمان گفت: برای عبدالرحمان امید خیر دارم؛ چون او زکات می‌داد و از مهمان پذیرایی می‌کرد. با وجود این، آنچه را که می‌بینید از خود برجای گذاشته است. کعب‌الاحبار گفت: راست گفتی، ای امیرالمؤمنین! در این هنگام، ابوذر چوب‌دستی خود را بر سر کعب کوبید و گفت: به کسی که مرده و این همه مال از خود برجای گذاشته است، می‌گویی که خدا خیر دنیا و آخرت به او عنایت کرده است و این کار را بر خدا حتم می‌دانی، در صورتی‌که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «از این خوشحال نیستم که از دنیا بروم و به وزن قیراطی از خود بر جای گذارم» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۴۰۱).

در نقلی دیگر، وقتی ابوذر گروهی از قریش را مخاطب قرار می‌داد و آنها را از عذاب کنزکنندگان بر حذر می‌داشت شخصی از او درباره علت این سخنش سؤال کرد. ابوذر در پاسخ، به این جمله رسول خدا صلی الله علیه و آله استناد کرد: ای ابوذر، آیا کوه احد را می‌بینی؟ عرض کردم: بله. فرمود: دوست ندارم به اندازه کوه احد طلا داشته باشم و

و این برداشت، ما را از آیات که «ذهب» و «الفضه» را به معنای «دینار» و «درهم» گرفتیم، تأیید می‌کند.

محدودیت‌های استناد به آیات کنز

همان‌گونه که گفته شد، آیات کنز به صورت کلی تأکید دارند که نقدینگی باید در مسیری مصرف شود که مرضی خداوند متعال باشد، اما تشخیص مصداق «سبیل الله» از خود این آیات به تنهایی ممکن نیست و به همین سبب، نیاز است که به دیگر ادله‌ای که در فقه آمده مراجعه شود و با کمک آن ادله، مصدیقی که می‌تواند مصداق «سبیل الله» باشد مشخص گردد؛ مثلاً، اگر گفته شود مصرف پول برای انجام فلان عمل مصداق «سبیل الله» نیست، چون برای جامعه ضرر دارد و در نتیجه، طبق آیات کنز مصداق «کنز حرام» خواهد بود، ما برای تشخیص مصداق «سبیل الله» از قاعده «لا ضرر» در فقه استفاده کرده، سپس به آیات کنز استناد می‌کنیم.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی ظاهر آیات ۳۴ و ۳۵ سوره توبه و روایات متأثر اهل بیت علیهم‌السلام نشان می‌دهد مفاد این آیات بر خلاف نظر مشهور مفسران که آن را محدود به عدم پرداخت زکات می‌کردند، در پی بیان قانونی کلی برای چگونگی گردش صحیح نقدینگی در جامعه اسلامی است. سیاق این آیات حاکی از آن است که نقدینگی جامعه باید در مسیری به جریان بیفتد که بتوان آن را مصداق «سبیل الله» نامید. در غیر این صورت، مصداق کنز خواهد بود. البته باز هم برخلاف نظر بیشتر مفسران که «سبیل الله» را انجام کارهای عام‌المنفعه‌ای می‌دانند که مرضی خداست و نفع و غرض شخصی در آن راه ندارد، با وجود این، موشکافی قراین آیات کنز به ما می‌فهماند که دایره «سبیل الله» شامل

هر راهی است که مقبول خداوند متعال باشد، هرچند نفع و غرض شخصی هم در آن وجود داشته باشد و عذاب وعده داده شده در این آیات به خاطر کنز نقدینگی جامعه به معنای «عدم جریان نقدینگی در جهت مرضی خداوند سبحان» است.

پس از تبیین مفهوم «کنز» و بیان مصداق آن، بررسی روایات متأثر برداشت‌مختار از ظاهر آیات کنز تأیید نمود.

منابع

- ابن عاشور، محمدبن طاهر، بی‌تا، *التحریر و التسنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن عربی، محمدبن عبداللّه، ۱۴۰۸ق، *احکام القرآن*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دارالجبل.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، تصحیح جمال‌الدین میردامادی، ج سوم، بیروت، دارالفکر.
- توتونجیان، ایرج، ۱۳۷۹، *پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری*، تهران، توانگران.
- جصاص، احمدبن علی، ۱۴۰۵ق، *احکام القرآن*، تحقیق محمدصادق قمحاوی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبداللّه، بی‌تا، *تفسیر سوره مبارکه توبه*، جلسه چهارم، در: www.javadi.esra.ir
- حرّعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

- دارالکتب الاسلامیه.
- گرامی، محمدعلی، ۱۳۹۷ق، مالکیت خصوصی در اسلام، چ دوم، بی جا، روح.
- محدث نوری، حسین، ۱۴۰۸ق، مستند درک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البتیت علیه السلام.
- مراغی، احمد بن مصطفی، بی تا، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مریدی، سیاوش و علیرضا مریدی، ۱۳۷۳، فرهنگ اقتصادی، تهران، مؤسسه کتاب پیشبرد.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۲، «مفهوم کنز از دیدگاه علم اقتصاد و اندیشمندان اسلامی»، نامه مفید، ش ۳۵، ص ۲۳-۴۰.
- نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۵، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین.
- نجفی، محمدحسن، بی تا، جواهر الکلام، تحقیق عباس قوچانی و علی آخوندی، چ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۴۲۳ق، موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- حسینی، سیدرضا، ۱۳۸۸، «تحلیل کنز از دیدگاه فقه و اقتصاد»، معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۱، ص ۸۳-۱۱۲.
- حسینی همدانی، سید محمد، ۱۴۰۴ق، انوار درخشان، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، کتاب فروشی لطفی.
- حکیمی، محمد رضا و دیگران، ۱۳۸۶، الحیة، ترجمه احمد آرام، چ هشتم، قم، دلیل ما.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، الکشاف، چ سوم، بیروت، دارالکتب العربی.
- شومپتر، جوزف. آ، ۱۳۸۰، تاریخ تحلیل اقتصادی، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۳، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ، ۱۳۶۵، تهذیب الأحکام، تحقیق حسن موسوی خراسان، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فرهنگ، منوچهر، ۱۳۷۱، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، تهران، آسیم.
- فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ق، من وحی القرآن، چ دوم، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر.
- فیض کاشانی، ملّا محسن، ۱۴۱۸ق، الأصفی فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدحسین درایتی و محمد رضا نعمتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، چ ششم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جزایری، چ سوم، قم، دارالکتب.
- کشی، محمد بن عمر، ۱۳۶۳، رجال الکشی، قم، مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، الکافی، چ چهارم، تهران،